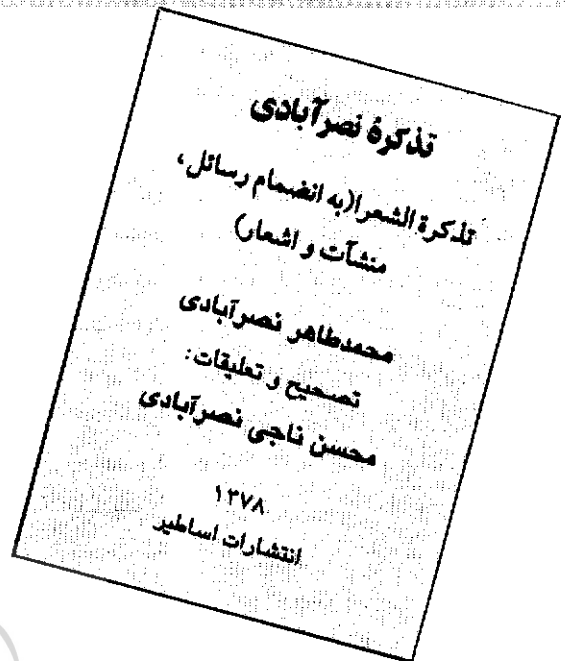


مآخذ و منابع نصرآبادی در نگاشتن تذکرة الشعرا

محسن ناجی



تذکره نصرآبادی: تذکرة الشعرا (به انضمام رسائل، منشآت و اشعار)، محمد طاهر نصرآبادی، مقدمه و تصحیح و تعلیقات: محسن ناجی نصرآبادی، ج ۲، ج ۱، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۸ هـ.ش.

صادق ... چنانچه گاهی فقیرنوازی فرموده به مسجد لنبان می آمد (ذیل حاجی محمد صادق). میرزا اعجاز ... در لباسی مدح در باب اصفهان شوخی ها فرموده، فقیر را تعصب روستایی گری به جوش آمده، چند فقره نثر در جواب آن نوشتیم، به سمع عزیزان رسیده، فیما بین نقاری بود تا آخر خود آمده عذرها خواست (ذیل میرزا اعجاز). میرزا مقیم بخاری ... به اتفاق ایلچی عالیجه مشارالیه به اصفهان آمده ... تا در اصفهان بود به اتفاق رفقا که اهل و دردمند بودند پیوسته به مسجد لنبان می آمدند و صحبت می داشتیم (ذیل میرزا مقیم بخاری). ملا آثار، از کدخدازادگان بخارا است ... از واهمه به طرف اصفهان آمده، مدتی در اینجا بوده، گاهی به مسجد لنبان آمده، صحبت داشته می شد (ذیل ملا آثار). خواجه عابد ... بخاری ... قبل از این به اصفهان آمده، چند نوبت صحبت داشته شد (ذیل خواجه عابد). عباس قلی خان ... گاهی از اشعار و معمای دلپذیر، کمینه را نوازشی می نمایند (ذیل عباس قلی خان). میرزا حسین خان ... در حینی که فقیر به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بودم به خدمت ایشان رسیدم، حقا که ملکی بود در لباس بشر (ذیل میرزا حسین خان). میرزا محمد تقی ... در این سال که سنه ۱۰۸۹ است در مسجد لنبان فیض صحبت ایشان دریافته، محظوظ شدید (ذیل میرزا محمد تقی). میر محمد

گرچه برخی بر این باورند که نصرآبادی در نگارش برخی سرگذشت نامه ها از خلاصه اشعار و عرفات العاشقین تقی الدین اوحدی بلبانی بهره برده است،^۱ خود نصرآبادی در هیچ جا به این معنی اشاره ای ندارد. مآخذ نصرآبادی در تألیف تذکرة الشعرا را می توان به چند دسته تقسیم کرد.

الف. شنیده های مستقیم نصرآبادی از خود شاعران

نصرآبادی تعدادی از شاعران را دیده و از گفته های ایشان در تألیف تذکرة الشعرا استفاده کرده است. به اشارات وی در این مورد نگاه کنید:

احمدخان ... به رفاقت محمدخان بیک برادرش که او هم در کمال متانت بود، به نصرآباد وارد شدند. آنقدر مردمی از ایشان دید که بشرح نتوان نمود ... در آن روز این ابیات از او مسموع شد (ذیل احمدخان). میر صبحی، سید عزیزی بود. خود می گفت که از سادات مازندرانیم و خویشی به نواب خلیفه سلطان دارم (ذیل میر صبحی). حاجی محمد

۱. کاروان هند، احمد گلچین معانی، ج ۲، ص ۹۷۶.

صالح). ملا مستفید جلدهی ... در این اوقات دو کلمه به حضرت صایبا و کمینه نوشته، قصیده‌ای که در مدح عبدالعزیز خان گفته بود، فرستاده، از فقیر پاره‌ای نظم و نثر طلب داشته (ذیل ملا مستفید جلدهی). نادرا ... چیزی که به خاطرش نمی‌رسد، درویشی درویشان است. از آنجا دو کتابت مشتاقانه و درویشانه به فقیر نوشته (ذیل نادرا).

پ. توجه نصرآبادی به دیوان‌ها و گزینش اشعار شاعران از آنها

نصرآبادی بسیاری از دیوان‌های شاعران را در دست داشته یا از دیگران به ودیعت گرفته تا بتواند نمونه‌ای از اشعار شاعران را انتخاب و ثبت نماید.

حسن خان ... دیوانش به نظر فقیر رسید، قریب به سه هزار بیت است (ذیل حسن خان). ملا عبدالرزاق، اصل آن جناب از لاهیجان است؛ اما چون در قم بسیار بوده به قمی مشهورند ... دیوانش قریب به دوازده هزار بیت است. فیاض تخلص دارند و این ابیات از ایشان است (ذیل ملا عبدالرزاق). ملا عبدالمحسن ... دیوان ایشان غریب به ده هزار بیت است، همه خوب و تازه و غریب و عجیب (ذیل ملا عبدالمحسن). حکیم رکنای کاشانی ... اشعارش قریب به صد هزار است، در منزل حضرت صایبا ده دیوان از او ملاحظه شد (ذیل حکیم رکنای کاشانی). میرزا فصیحی ... دیوان او آنچه به نظر فقیر رسید، قریب به شش هزار بیت بود (ذیل میرزا فصیحی). ملا اوجی نطنزی ... دیوانش به نظر رسید، تخمیناً ده هزار بیت بود (ذیل ملا اوجی نطنزی). میرزا ملک مشرقی تخلص ... دیوانش قریب به ده هزار بیت به نظر رسید (ذیل میرزا ملک). ملا درکی قمی ... کلیاتش قریب بیست هزار بیت است (ذیل ملا درکی). میرزا طاهر قزوینی ... دیوان آن جناب از مثنوی و قصیده و غزل قریب به سی هزار بیت است (ذیل میرزا طاهر). میر جملة شهرستانی ... طبعش در ترتیب نظم بسیار مایل بوده، چنانچه کلیات ایشان به نظر رسید، قریب به بیست هزار بیت است، همه غریب و عجیب و این ابیات از آن جمله است (ذیل میر جملة شهرستانی). ملا علی بیگ ... دیوان او را یکی از اقوام فقیر داشتند که در این مدت به فقیر نموده بودند، در این روزها گرفتیم و این ابیات نوشته شد (ذیل ملا علی بیگ) ...

ت. مجموعه‌ها

مجموعه‌های شخصی که در ملکیت افراد مختلف بوده،

یوسف ... در منزل حضرت میرزا صایبا با مشارالیه چند سال قبل از این ملاقات واقع شد (ذیل میر محمد یوسف). آقا سعید ... از روی فقیر نوازی به مسجد لبنان تشریف آوردند و از صحبت ایشان محظوظ شدیم، این دو بیت را خود خواندند (ذیل آقا سعید). ملا محمد نصیرا ... در حال تحریر به اصفهان بود. در مسجد لبنان به خدمت ایشان رسیده، فیض وافر برده، تخلص نداشت. این غزل را خود خواندند (ذیل ملا محمد نصیرا).

ب. درخواست شعر از شاعران

نصرآبادی قبل از شروع در نگاشتن تذکره از شاعران و اهل سخن می‌خواهد که شرح حال و نمونه اشعار خویش را برای او ارسال کنند. این بیان را از این قطعه لطفعلی بیگ که به نصرآبادی نوشته، درمی‌یابیم:

ز حضرت تو تمناً دو مدعا دارم
به عزّ عرض رسانم دگر تو می‌دانی
نخست آنکه گرفته چو ابر دانش تو
به تازه باز تعلق به گوهراشانی
به عزم تذکره‌خواهی ز جمع اهل سخن
قلم به وصف گروه معاصران رانی
اگر چه من چه کسم تا معاصرت باشم
و حید عصر خودم گر معاصرم خوانی
چو آفتاب چه نقصان رسد کمال ترا
به ذره پروری این ذره راز خسود دانی
(ذیل لطفعلی بیگ)

دیگران نیز هم برای نصرآبادی اشعاری فرستاده‌اند و نصرآبادی به بعضی از آنها اشاره می‌کند:

ناجی لاهیجی ... طوماری از شعر خود جهت فقیر فرستاده، شخص آورنده به گمان اینکه کتابت است به شخصی دیگر داده. این غزل را آن شخص به فقیر داد (ذیل ناجی لاهیجی). میرزا محمدعلی ... طوماری از اردو جهت فقیر فرستاده بود. این ابیات از آنجا نوشته شد:

از بس دل مردم به رهت چشم به راه است
در کوی تو هر نقش قدم قافله گاه است

(ذیل میرزا محمدعلی). میرزا صادق ... ولد میرزا صالح جد راقم است ... از قبل پادشاه زاده شجاع به متمرّدان ولایت بنگاله در دریا و صحرا مکرر جنگ‌های مردانه کرده و شرح آنها را به نظم آورده، جهت فقیر فرستاده بود. این ابیات از آن جمله است (ذیل میرزا صادق ولد میرزا

یکی دیگر از منابع و مآخذ نصرآبادی در نگاشتن تذکرة الشعراست. گروهی از شاعران برای خود مجموعه ای فراهم می آوردند و در آن سروده های دیگران را جمع آوری می کردند. ممکن است این مجموعه ها توسط خود جامع فراهم آمده، یا کاتبی آن را کتابت کرده و یا خود شاعران به خط خویش شعری در آن نوشته باشند. نصرآبادی قبل از نگارش تذکرة الشعرا چنین مجموعه ای برای خود فراهم آورده و در آن شاعرانی که به دیدنش می آمدند - چه در نصرآباد و چه در مسجد لُتبان - یادداشت ها و اشعاری بر آن نگاهشته اند و مسیحای معنی دیباچه ای بر آن افزوده است. تنها اطلاعاتی که از این مجموعه نصرآبادی اکنون در دست است، همان اشاراتی است که در تذکره آمده است. وی می گوید:

سید مبارک خان مدهوش ... چون از باده عرفان سرخوش است، مدهوش تخلص دارد به خط خود در مجموعه کمینه پاره ای شعر نوشته، این از آن جمله است:

تیشه از فرهاد و از مجنون بجا، زنجیر مانند
قطره خونی ز ماهم بر دم شمشیر مانند
کار ما را کس به عالم چاره نتوانست کرد
خواب امیدی که می دیدیم بی تعبیر مانند
(ذیل سید مبارک خان)

کیخسروخان ... وقتی که فرصت داشتند، متوجه نظم می شدند و این ابیات را به مجموعه فقیر نوشته اند:

پیش رویش سوختم آخر دل دیوانه را
چون نگه دارد کسی از سوختن پروانه را
چاک می سازم به ناخن سینه چون بینم رُخش
چون برآمد مهر بگشایند روزن خانه را
(ذیل کیخسروخان)

میرنایب ... چنانچه هرگاه به اصفهان می آید به منزل ایشان می باشد و اشعارش این است که خود در مجموعه فقیر نوشته (ذیل میرنایب). مسیحای معنی ... دیباچه ای بر مجموعه فقیر نوشته که کمال غرابت دارد (ذیل مسیحای معنی) ...

افزون بر این مجموعه، نصرآبادی از مجموعه های شخصی دیگر نیز بهره برده است که به ذکر آنها می پردازیم:

میرزا نورالله ... دیوان مشارالیه به نظر نرسید؛ اما از مجموعه عالی حضرت میرزا شفیع خوزانی که در دفترخانه هم قلم بودند این ابیات نوشته شد. این قطعه را در مدح نوآب خلیفه سلطان گفته، وقتی که وزیر اعظم شاه عباس ماضی بود (ذیل میرزا نورالله). میرزا محمدرضای مشهور به سارو خواجه ... این رباعی هم [از او] در مجموعه میرزا صالح منشی به اسم او دیده شد:

آنم که ضعیف و خسته تن می آیم
جان بسته به تار پیرهن می آیم
مانند غباری که پیچید بر باد
پیچیده به آه خویشتن می آیم
(ذیل میرزا محمدرضای)

محمّدقلی سلیم ... بر مجموعه ملا قدرتی شعری نوشته بود (ذیل محمّدقلی سلیم). ملا محمّد شفیع ... این چند بیت که در مجموعه حاجی اسماعیل نوشته شده بود، داخل این اوراق شد (ذیل ملا محمّد شفیع). ... اما فقیر رباعیات او را که مرحوم آقاباقی برادر آقاخضر وزیر کاشان جمع کرده بود، دیدم که این چند بیت به اسم او نوشته شده بود (ذیل میر مغیث). مفرد قمی ... در مجموعه اخوی سراجای نقاش شعر خود را نوشته (ذیل مفرد قمی). محمّدحسین بیک ... شعر بسیاری در مجموعه مجموعه قابلیت مولانا محمّد سعید ولد علاّمی محمّد صالح مازندرانی وقتی که دربند بود، نوشته. این ابیات از آن جمله است (ذیل محمّدحسین بیک) ...

ث. نقل قول ها و شنیده های غیر مستقیم

منابع دیگری که نصرآبادی از آن در بسیاری از شرح احوال شاعران سود جسته مسموعات شفاهی غیر مستقیم است. نصرآبادی در نقل قول ها به نام ناقل توجه داشته و گاهی در صداقت آنها نیز بحث می کند. وی بر آن است که بیاناتش را از کسانی نقل کند که مورد وثوق و اطمینان هستند.

از مرحوم ملا غروری که صدق اندیش بود مسموع شد که وقتی قصیده ای در مدح او [صادقی بیک] گفته و در قهوه خانه گذرانیدم به این بیت که در تعریف سخن او گفته شده بود، برسیدم:

چون عرصه زنگ و صدای زنگ است
صسیت سخنش در جهان امکان

مسوّه را از فقیر گرفته، گفت: حوصله ام بیش از این تاب شنیدن ندارد و برخاسته (ذیل صادقی بیک). میرزا امین ... تخلص ساکت دارد. از اخوی ایشان مسموع شد که وقتی در اصفهان بوده، حضرت میرزا صایبا این تخلص را بدو عنایت کرده اند (ذیل میرزا امین). میر محمدامین ... ملا مشفق این دو بیت را از مشارالیه خواند:

- کسی که تلخی هجران کشیده می داند
ز جسوی دیده چرا آب شور می آید
- من نمی دانم درین صحرا شکار انداز کیست
نقش پای هر غزالی صید در خون خفته ایست
(ذیل میر محمد امین)

میر عبدالحق ... ملا مشفق با مشارلیه هم طرح بوده، این ابیات را مشارلیه به اسم ایشان خواند (ذیل میر عبدالحق).
مقیما ... عزیزی از زبان ملا غیرت همدانی می گفت که این بیت از مقیماست و من از او شنیده ام:

به راهش خانه ای از نی بنا کرد
درون نی بسان ناله جا کرد
(ذیل مقیما)

غزل از میر عین علی مسموع نشده بود، این دو بیت به خط میر شوقی به اسم او دیده شد:

قتل خاموشی ز همت بر لب اظهار ماند
در دل از لب بستن ما حسرت بسیار ماند
می به دوران من از مینا نیامد سوی جام
آفتاب طالع من در پس دیوار ماند
(ذیل میر عین علی)

میر محمد مؤمن ... از حاجی مطیعا مسموع شد که در بندر سورت او را دیدم، مردی در کمال صلاح و دین داری و پرهیز گاری، پیوسته به عبادت مشغول بود. روزی با فقیر گفت که شاه مطیعا از زندگی به تنگ آمده ام، توفیق پروازی خدا بدهد. بعد از آن دو روز زنده بود، بمرد و همانجا مدفون گردید (ذیل میر محمد مؤمن). میر عقیل ... پسر او را در نصرآباد دیدم، جوان درویشی است و در سلک اهل قلم است. شعر والدش را از او خواستم، یک بیت به خاطر نداشت که بخواند. وعده کرد که اشعار او را بیاورد، دیگر او را ندیدم (ذیل میر عقیل). حسن بیک رفیع ... حسن بیک در هندوستان مانده، طالع او مدد نکرده، الحال مشهور شد که در کمال پریشانی است. این نقل از آخوند ملا سالک مسموع شد. (ذیل حسن بیک رفیع). سایر ای اردوبادی، اما از حضرت میرزا صایبا مسموع شد که مشهدی است، او را در هند دیده بود. گویا در هند فوت شده (ذیل سایر ای اردوبادی). کلامی اصفهانی، خوش سلیقه بوده؛ اما شعرش کمتر در میان است. از حضرت میرزا صایبا مسموع شد که دو برادر بودند، یکی کلامی و دیگری سلامی. شعر سلامی مسموع نشد. شعر کلامی این است (ذیل کلامی اصفهانی). زمانای نقاش ... سعیدای نقش بند - رحمة الله علیه - این قطعه را به اسم او خواند:

خواجه چون خواهد که از بهر سرا چاهی کند
تا نباشد اهل بپیش راز بی آبی عذاب
خود ز یک جانب نگارد شکل نانی بر زمین
وز دگر جانب غلامان می رسانندش به آب
(ذیل زمانای نقاش)

امیر جعفر معلم کاشی. معلمی می کرد، این رباعی از ملا

صبحی مسموع شد که از او شنیده:

زاهد به خرابیات رهی پیدا کن
واندر خور رحمت گنهی پیدا کن
چون شیشه مریز صاف و دُردی که تراست
بنشسین چو خُم باده تهی پیدا کن
(ذیل امیر جعفر معلم)

نجاتی بافقی ... ملا وقاری می گفت که با وجود شیخوخیت شاهنامه را به طریقی می خواند که حیرت دست می داد. این بیت را مشارلیه از او خواند:

لاله نبود کز کنار بیستون سر می زند
دست خون آلود فرهاد است بر سر می زند
(ذیل نجاتی باقی)

محشری ... مقیمای مقصود او را دیده، می گفت: آنقدر پیر شده بود که تا برو بالا نمی کرد، کسی را نمی دید. این بیت را از او خواند:

یار چو تیغ کین کشد فرصتش از خدا طلب
عضو به عضو خویش را زخم جدا جدا طلب
(ذیل محشری)

آقا اسد ... از عزیزی مسموع شد که شعر بسیار گفته، این چند بیت را آن عزیز خواند (ذیل آقا اسد). و ...

گویا نصرآبادی در شرح احوال شعرای ماوراءالنهر، خصوصاً بخارا و غیره توجهی به گفته های یاران آن دیار داشته است. گرچه خودش بصراحت اشاره ای ندارد؛ اما از گفته های ملیحای سمرقندی چنین برمی آید که نصرآبادی در ذکر این فرقه از بیانات و گفته های او بهره برده است:

ذکر شعرای معاصر ماوراءالنهر باب خاص تذکره او را تشکیل نموده است و من بقدر استعداد حساباً و نسباً آنچه که می دانستم، مخصوصاً درباره شعرای سمرقند مذکور کردم، تعیین کرده، نوشت.^۲

ملیحای سمرقندی در سال ۱۰۸۸ در هیأت سفارت حکومت خانی بخارا به ایران سفر می کند. در این مسافرت سه ساله او با شاعران مقیم مشهد، سبزوار، سمنان، قم، کاشان و اصفهان بارها مصاحب می شود. در تمام این سفرها، ادبای ایران با مهمانوازی فراوان از او استقبال می کنند. وی خلاصه این ملاقات ها را با شرح حال و نمونه اشعار ۵۹ تن از شاعران نیمه دوم قرن یازدهم ایران در تذکره خود می آورد.^۳

○

۲. مذکر الاصحاب، صفحه ۴۸، ۸۵ و ۸۶، به نقل از: احمد گلچین معانی تاریخ تذکره های فارسی، ج ۲، ص ۲۳۸.

۳. همان، ص ۲۳۹.